

کنسولگری بریتانیا در مشهد و نقش آن در گسترش نفوذ انگلیسی ها در جنوب شرق ایران

دکتر مسعود مرادی^۱

معصومه صاحبکاران^۲

معصومه اسکندری^۳

چکیده:

شرق ایران در قرن نوزدهم از اهمیت استراتژیکی ویژه ای برخوردار بود و با توجه به گسترش استعماری روس و انگلیس در منطقه و تهدید منافع یکدیگر اهمیت این منطقه دو چندان شد. روس ها برای دست اندازی به مناطق جنوبی و خروج از بن بست در مناطق شمالی و انگلیسی ها برای دفاع از هندوستان در صدد گسترش نفوذ خود در ایران برآمدند. ضعف دولت قاجار ها و تا حدی خودمختاری خاندان های حکومتی شرق ایران این امکان را پدید آورد تا هریک از این دول دست به تاسیس کنسولگری و حتی ارسال نیروهای جاسوس به منطقه بزنند. این مقاله در صدد است تا چگونگی رقابت های این دو استعمارگر و انعکاس فعالیت های آن ها را در امور کنسولی منطقه شرق و جنوب شرق ایران مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: انگلیس، روسیه، ایران، کنسولگری، رقابت های استعماری.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان misssahebkar@gmail.com

۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان misseskandari65@yahoo.com

تاریخ ایران معاصر متأثر از رقابت های سیاسی و اقتصادی قدرت های بزرگ است به همین جهت به نظر می رسد که تحولات ایران طی یکصد و پنجاه سال گذشته عموماً در گرو جریانات سیاسی بین المللی و مبارزه با قدرت های بزرگ جهانی بوده است. در کشمکش جدی قدرت های بزرگ برای نقوذ در ایران دو قدرت اصلی یعنی روسیه و انگلیس در سرتاسر قرن نوزدهم و قسمت اعظم قرن بیستم در عرصه سیاست این کشور نقش ثابت و پایداری داشته اند؛ ایران با دو همسایه اش روس و انگلیس، با کشور اول از طریق مرزهای مشترک و با دومی از راه مستعمره هندوستان همسایگی داشت. درباره اهمیت هندوستان لرد کرزن می نویسد: «از این روآینده بریتانیای کبیر در اروپا در دریاها و اقیانوس ها که در زیر سایه پرچم اویند یا در خود انگلستان که هستی اش وابسته به وجود فرزندان اوست تعیین نخواهد گردید بلکه در آن قاره ای تعیین خواهد شد که نیاکان مهاجر ما اصلاً از آنجا آمده و فرزندان ایشان به صورت کشورگشایان به همان جا بازگشته اند. انگلستان بدون هندوستان امکان زیست ندارد در دست داشتن هند سند تعویض ناپذیری در فرمانروایی به جهان شرق است از زمانی که هند شناخته شده است سرورانش همواره صاحب اختیار نیمی از جهان بوده اند.

دولت انگلستان برای حفظ هند دست به تاسیس دولت های دست نشاندۀ در منطقه شرق ایران نمود. حریم دفاعی هند به مفهوم محدود آن شامل ناحیه نامسکون هیمالیا، بوتان، تبت و نپال و افغانستان می شد این حریم مفهوم طبیعی و جغرافیایی نداشت و ساختگی بود و همه معابر آن بنا به ضرورت امنیتی با اقدامات سیاسی دولت انگلستان ایجاد شده بود. از نظرگاه تاریخی خراسان شامل سرتاسر افغانستان، سیستان، ماوراءالنهر و بخش های شمال شرقی ایران کنونی بود، این سرزمین پیوسته مورد تهاجم اقوام مشرق زمین قرار گرفته است که از آن به عنوان رهیافت ورود خود به هند و چین استفاده کرده اند.

از مشهد به عنوان یکی از مهمترین شهرهای خراسان دستیابی به افغانستان، سیستان و سرزمین های آسیای میانه آسان تر صورت می گرفت و انگلستان از این رو به آن اهمیت می داد و در آنجا کنسولگری خود را تاسیس نمود.

روسها و پیشروی به سمت آسیای میانه (خانات خیوه، خوارزم و بخارا...)

از قرن ها پیش از تشکیل سلسله قاجاریه مردمانی از نژاد روس از را خشکی یا از دریای مارنداران برای چپاول و غارت و یا داد وستد گاه گاهی به سرزمین ایران می آمدند .روس ها از زمانی که امپراطوری تزاری را تشکیل دادند اقدام به گسترش قلمرو نفوذ در بخش های مختلفی از آسیا نمودند تا زمانی که دولت مرکزی ایران قدرتمند بود روس ها توان دستیابی به سرزمین های آسیای میانه و قفقاز را نداشتند اما با فروپاشی دولت صفویه و حاکم شدن ناامنی و هرج و مرج در ایران آن ها نیز مرزهای ایران را در آسیای میانه، دو طرف خزر و قفقاز را مورد تجاوز قرار دادند. در سال ۱۷۲۴ م / ۱۱۴۲ ق پتر کبیر به ایران حمله و گیلان را در استان شمالی این کشور را مدتی تحت اشغال روسیه قرار داد با ظهور نادر روس ها مجبور به تخلیه سرزمین های اشغالی شدند. فشار روسیه به ایران آغاز سلطنت کاترین دوم به مراتب افزایش یافت تا آنجا که به جنگ های تهاجمی علیه ایران دست زد و ابتدا در سال ۱۷۹۶ و سپس در سنوات ۱۸۱۳ - ۱۸۰۰ م / ۱۲۲۸ - ۱۲۱۸ ق. به این کشور تاخت که دومین جنگ به عقد معاهده معروف گلستان منجر شد در سال ۱۸۲۸ - ۱۸۲۶ م / ۱۲۴۳ - ۱۲۴۱ ق. بار دیگر روسیه به ایران هجوم برد و آتش جنگ جدیدی را در این سرزمین دامن زد این جنگ ها منجر به این شد که ایران تدریجا ایالات غنی و حاصلخیز شمال غربی خود از جمله هفده شهر قفقاز را از دست بدهد با انعقاد قرارداد ۱۸۲۸ ترکمنچای دولت قاجار تحت الحمایه روس ها قرار گرفت این در حالی بود که قدرت روسیه امپراطوری عثمانی را مورد تهدید قرار داده بود و در اروپا نیز دست به پیشرفت هایی زده بود ظهور این قدرت استعماری در مغایرت با منافع سایر قدرت های استعماری از جمله انگلستان قرار می گرفت (شمیم، ۱۳۷۰: ۹۲؛ واتسن، ۱۳۵۵: ۱۷۱؛ نفیسی، ج اول، ۱۳۳۵: ۲۵۴).

اشغال جزیره آشورزاده در خلیج استرآباد(گرگان) در سال ۱۸۳۷م / ۱۲۵۲ق. بحران تازه ای به وجود آورد این اقدام نشانه اراده روسها در تسلط بر آسیای مرکزی بود در زمان محمد شاه قاجار ترکمن های آشورزاده از فرصت استفاده کرده و سر به شورش برداشتند محمد شاه مشغول محاصره هرات بود این تحریکات توسط عمال انگلیس صورت می گرفت و بین قضیه هرات و حمله ترکمن ها ارتباط مستقیم وجود داشت. چون طبق معاهده گلستان ایران حق داشتن کشتی های جنگی در دریای خزر را نداشت دولت ایران از تزار روس برای سرکوب ترکمن های یاغی آشورزاده کمک خواست و از این پس این جزیره به صورت پایگاه دریایی روسیه درآمد. در سال ۱۸۸۳م / ۱۲۴۵ق. خانات خیوه و بخارا مورد تهاجم قرار گرفت و به تصرف روس ها درآمد در نتیجه ترکمن صحرا که قسمتی از خاک ایران بود از سه طرف به محاصره قوای روس درآمد(کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۲۲؛ لنزوسکی، ۱۳۵۵: ۷۲).

در سال ۱۸۸۱م / ۱۲۴۲ق. قبایل ترکمن پس از دفاعی دلیرانه در دژ صحرایی گئوگ تپه ناچار به زانو درآمدند و تحت انقیاد روس ها قرار گرفتند وقتی ناصر الدین شاه خبر تصرف گئوگ تپه را شنید به علت تامین امنیت مرزهای شمالی ایران و رفع خطر هجوم ترکمن ها اظهار خوشحالی کرد بر طبق پیمان سرحدی آخال ایران از تمام دعاوی خود نسبت به ترکستان و ماوراءالنهر صرف نظر کرد در معاهده آخال که بین ایران و روسیه منعقد گردید رودخانه اترک به عنوان مرز بین دو کشور تعیین شد. پیشروی و توسعه طلبی روسیه در همسایه جنوبی از دید انگلیسی ها پنهان نماند و سرآغاز یک رشته رقابت های طولانی در منطقه گردید بعد از قرارداد ترکمانچای آخال ضربه مهلک دیگری به تمامیت ارضی ایران به شمار می رفت خانات ترکستان و ماوراءالنهر که از زمان صفویه کمابیش تابع ایران بودند برای همیشه از ایران جدا شدند(سپهر، ۱۳۷۷: ۳؛ ۲۱۶؛ آدمیت، ۱۳۴۸: ۶۰۰؛ زرگر، ۱۳۷۲: ۱۵).

چگونگی برخورد انگلیسی ها و روسها در شرق ایران(خراسان بزرگ)

عمده ترین رقابت هایی که در اواخر قرن نوزدهم به دولت های روس و انگلیس قرار داشت، رقابت در منطقه شرق ایران بود. پیشروی روسها در آسیای مرکزی و رسیدن به

مرزهای هندوستان باعث شد دیپلماسی حکومت انگلستان در مرزهای شرقی ایران فعال شود. اهمیت منطقه باعث شد هیئت‌های مختلف نظامی و سیاسی انگلستان به منطقه اعزام، تا راهی را جهت کاهش نفوذ روسیه در منطقه پیدا کنند. از جمله این هیئت‌ها می‌توان به هیئت یان اسمیت، سر راولینسون، جیمز فریزر و... اشاره کرد (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۰: ۳۷). روسها از پیشروی خود در آسیای مرکزی به دنبال اهداف سیاسی - نظامی و اقتصادی بودند. اهداف اقتصادی آنها شامل لزوم تجارت با خانات آسیای مرکزی و استفاده از بازار بسیار خوب آنجا برای کالاهای روسی بود از طرف دیگر معادن غنی در ترکستان مثل معدن زغال سنگ، مس، روس‌ها را تحریک به نفوذ در منطقه کرد. چرکانسکی^۱ ماموریت داشت تا در دهانه آمودریا قلعه‌ای بسازد و پس از تبادل نظر با خان خیوه در محلی مناسب شهری بنا کند تا در صورت پیدا نکردن معدن طلا راهی به تجارت هندوستان گشوده شود که از نظر روسها بهتر از معادن طلا بود. ورود به میدان تجارت آسیای جنوبی و جنوب غرب هند هدف دیگر روسها بود برای رسیدن به آن راه آهن ماوراءخزر (۱۸۹۱م/۱۲۵۲ق). یکی از وسایل لازم به شمار می‌رفت و ترکستان راهی برای رسیدن به خراسان و افغانستان و هندوستان بود. (حسام معزی، ۱۳۶۶، ص ۵۷۷؛ لنزوسکی، ۱۳۵۵: ۸۹-۸۵).

خط آهن ماوراءخزر از لحاظ اقتصادی، نظامی و تجاری دارای ارزش بود. روسها برای ایجاد احساس اطمینان خاطر از جانب خراسان به دنبال احداث این راه آهن بودند تا به ادعای کرزن از این طریق بتوانند پایگاهی دریایی در چا بهار در ساحل بلوچستان ایران احداث نمایند. علاوه بر انگیزه‌های اقتصادی مهم‌ترین هدف روسها دنبال کردن خواسته‌های سیاسی و نظامی آنان بود که شامل رقابت با انگلستان و تضعیف نیروی آن کشور در هند می‌شد چرا که روسیه از طرف آسیای مرکزی به سهولت می‌توانست نیروهای نظامی لازم را تا دروازه‌های هند برساند این هدف روس‌ها از دو طرق امکان داشت یکی از طریق عثمانی که بعد از درگیری و نبرد با دولت عثمانی و در نهایت تسلط بر بغداد بتواند بر خلیج فارس دست پیدا کند و دیگر از طریق ایران و نواحی

شرق و جنوب شرق ایران، که ساده ترین و بهترین راه، راه دوم یعنی ایران بود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۷؛ کرزن، ج ۲، ۱۳۷۳: ۷۱۱).

وجود یک پایگاه تجاری در خلیج فارس برای روس ها همانقدر اهمیت داشت که برای انگلیسی ها در دریای خزر اهمیت داشت. سیستان به دلیل نزدیکی به مرز بلوچستان بهترین کانون قدرت انگلستان در ایران مرکزی و جنوبی بود از آن طرف انگلستان با تصرف در بخش های را در خراسان و سیستان می توانست آمادگی لازم را برای مقابله با روس ها را در خراسان فراهم کند از طرف دیگر روسیه نیز در صدد بود تا برای مقابله با انگلستان نفوذ خود را در سیستان گسترش دهد. تاسیس کنسولگری روس در سیستان نیز حکایت گر این مسئله است (ذوقی، ۱۳۶۸: ۸؛ کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۶؛ محمود، ج ۷، بی تا: ۱۱۶).

بریتانیا برای مقابله با روس ها به دو گونه عمل کرد که ابتدا به ایجاد سرزمین های حائل دست بزند و سپس با روس ها به نوعی توافق برسر تقسیم قلمرو نفوذ برسند. از دید تحلیل گران انگلیسی، افغانستان سد پولادین سرحدات شمالی هندوستان است. سر هنری راولینسون می گوید: «ما هرات را برای حفظ هندوستان لازم داریم چون هرات دروازه هندوستان است دولت ایران نمی تواند این احتیاج ما را درک کند، در این صورت تقصیر ما چیست؟». انگلیسی ها با دادن رشوه به سران افغان آن ها را سعی به جدایی از ایران و نزدیک نمودن به خود نمودند همین امر باعث شد تا حاکمان افغانی دست نشانده ایران، علیه دولت متبوع خود سر به شورش بردارند سر جان مک نیل معمار اصلی تئوری جدا سازی هرات از ایران از یک طرف کامران میرزا را به تجدید روابط با حکومت مرکزی ایران تشویق می نمود و از طرف دیگر نیرو های خود را روانه خلیج فارس کرد این امر باعث شد تا محمد شاه قاجار نیروهای خود را از هرات بر گرداند همین ماجرا در بیست سال بعد و در زمان ناصر الدین شاه تکرار شد و با محاصره هرات توسط نیرو های ایران انگلیسی ها جزیره خارک و کرانه های بوشهر و خوزستان را اشغال نمودند و این عمل منجر به عهد نامه پاریس در سال ۱۸۷۵/م ۱۲۳۶ ق. شد و بر طبق آن ایران استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت (مجتهد زاده، ۱۳۷۸: ۴۷؛ شمیم، ۱۳۷۴: ۲۴۲؛ محمود، ج ۲، ۱۳۶۷: ۱۱۷۲؛ مهدوی، ۱۳۷۵: ۲۸۵).

بدین ترتیب انگلستان موفق شد در نواحی شمال غربی هندوستان حکومت دست نشانده خود را ایجاد نماید تنها ناحیه ای که هنوز ترتیب قطعی آن مطابق نقشه های انگلستان داده نشده منطقه بلوچستان بود. پاتینجر در مورد اهمیت منطقه بلوچستان می گوید: «این کتل (گردنه) از نظر مرتع طبیعی ارزش نظامی مهمی داشت زیرا در این سنگر ممکن بود با نیروهای اندک جلوی پیشروی هر نیروی مقتدر را گرفت» (اسدی کرم، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

برای نفوذ در منطقه انگلستان مبادرت به ایجاد خط تلگرافی هند به لندن نمود و برای ترسیم این خطوط گلداسمیت را روانه منطقه بلوچستان کرد. برقراری روابط دوستانه با امیران منطقه در ابتدا تنها به منظور حفاظت از خطوط سیم کشی بود ولی بعد ها انگلیسی ها با دامن زدن به اختلافات این منطقه خواستار حکمیت شدند و برخی از سران طوایف این منطقه از انگلیسی ها حمایت نمودند. گلداسمیت در این باره به دولت بریتانیا شرح می دهد: «اخیرا یکی از انقلابات سیاسی در ممالک غربی هندوستان روی داده که به اطمینان و اعتمادی که به این قسمت از سرحدات هندوستان و جود داشت تزلزل وارد آورده است لهذا بر عهده اولیای امور هندوستان است که این سرحدات را از تجاوزات بیگانگان مصون بدارند» (سالار بهزادی، ۱۳۷۲: ۱۲۹؛ احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۹؛ رئیس طوسی، ۱۳۷۶: ۶۷).

نفوذ روس و انگلیس با جدایی رزمین های شمالی و شرقی خراسان بزرگ پایان نپذیرفت تنفیذ درباریان و حکام محلی در نقاط حساس و استراتژیکی و تلاش رای جلب حمایت آن ها به نحوی که در مواقع ضروری از آن ها استفاده کنند از دیگر اقدامات انگلیسی ها محسوب می شد. در خراسان روس ها در شمال و انگلیسی ها در جنوب برای خود متحدانی داشتند. جنوب خراسان به دلیل واقع شدن بر سر راه هند اهمیت استراتژیکی خاصی داشت که این منطقه به همراهی سیستان تحت حاکمیت خاندان علم قرار داشت. ترسیم مرز سیستان توسط گلداسمیت (۱۸۷۰ م/ ۱۲۸۹ ق). نقطه شروع روابط سیاسی مستقیم امیر نشین خزیمه با بریتانیا و روسیه بود که با گشایش کنسولگری بریتانیا حضور سیاسی خود را در قاینات و سیستان اعلام نمود (منصف، ۱۳۵۵: ۱۸).

روس‌ها که در خانات شمال خراسان نفوذ کرده بود برای رسوخ در مناطق تحت سیطره انگلیس با ایجاد کنسولگری در بیرجند و فرستادن نیروهای قزاق به تربت حیدریه سعی در ایجاد شکاف در مناطق تحت نفوذ انگلیس نمودند. کرزن نفوذ عناصر طرفدار روسیه را در منطقه جنوب خراسان گزارش می‌دهد که تلاش می‌کردند اطلاعات مرزی ایران و انگلستان در سیستان و جنوب خراسان در اختیار روسیه قرار دهند. تنش‌های میان روس و انگلیس در منطقه و نفوذ در خاندان‌های محلی به خصوص از زمان حکومت امیر علم خان سوم در قانات تا انعقاد قرارداد ۱۹۰۷م/۱۳۲۵ق. پیوسته در حال افزایش بود (کرزن، ج ۱، ۱۳۶۷: ۲۷۵).

امیر علم خان سوم با انگلستان بر سر مرزهای سیستان اختلاف نظر داشت و اقدامات او مانع شد تا سیستان کاملاً در اختیار افغانستان قرار بگیرد (محبوب، ۱۳۸۲: سند شماره ۳۱۰).

مکاتبات پریدوکس، کنسول انگلستان در بیرجند، با شوکت الملک علم در خصوص حمل سلاح از هندوستان به سیستان و تجهیز قشون بیرجند و سیستان برای حفظ هند حاکی از تلاش انگلیس برای افزایش قدرت خود در منطقه می‌باشد (محبوب، ۱۳۸۲: ۴۲۰؛ مابری، ۱۳۶۹: ۱۱۸).

نقش کنسولگری بریتانیا در مشهد در گسترش نفوذ انگلیس در جنوب شرق ایران

لرد کرزن سیاستمدار کهنه کار انگلیس اهمیت خراسان را برای کشورش چنین بیان می‌کند: «آنان که عقیده دارند خراسان تا هند فاصله طولانی دارد و از این بابت مایه نگرانی موجود نیست فقط استدلال غلطی را با کمال حماقت تکرار می‌کنند که تجربه‌های گذشته بی‌پایگی آن را نشان داده است. هر گونه موافقت با این عمل ناهنجار که یک دولت بیگانه حتی در حریم این سرحد سنگین جا پیدا کند از خبط‌های درجه اول نظامی محسوب می‌شود سیاست بریتانیا در خطه خراسان این است که مصالح انگلستان و افغانستان را در آنجا مصون سازد و به هیچ وجه تغییری در وضع کنونی ایران نپذیرد و به خصوص ناظر و نگران آزادی راه‌های باشد که برا پیشرفت تجارت

انگلستان ضرورت کامل دارد و اگر آن راه‌ها به جای دوست در دست دولت بیگانه باشد خطر نمایانی از لحاظ هندوستان خواهد بود».

نخستین کنسولگری بریتانیا در سال ۱۸۴۱ م/ ۱۲۰۲ ق. و براساس موافقت محمد شاه با درخواست ژنرال مک لین مبنی بر تاسیس کنسول در تبریز و تهران و نماینده ای مقیم در بوشهر ایجاد شد و تعداد آن تا دو سال بعد از قرارداد ۱۹۱۹ م به بیست و سه مرکز افزایش یافت از میان سه کشوری که در آن ایام مناسبات سیاسی و بازرگانی دائمی برقرار کرده بود تنها روسیه بود که حق داشت بر اساس ماده هفتم عهد نامه گلستان اقدام به ایجاد کنسولگری در ایران کند با اینکه دو کشور بعد از انعقاد عهد نامه ترکمانچای در پانزده سال بعد، می توانستند در اجرای اصل دهم «کما فی السابق در هر کجا که مصلحت دولتی اقتضا کند کنسول ها و حامیان تجارت تعیین نمایند» پس از جنگ ایران و انگلیس در سال ۱۸۵۷-۱۸۵۶ م/ ۱۲۱۷-۱۲۱۶ ق. و به موجب عهد نامه پاریس و برقراری رابطه کامله الوداد تعداد کثیری از نمایندگان کنسولگری بریتانیا از لندن و کلکته روانه قلمرو ایران شدند. بریتانیا اقدام به تاسیس کنسولگری خود در استر آباد کرد که تا تصرف نواحی ماوراءخزر از طرف روس ها دایر بود (میرزا صالح، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۲).

رقابت روس و انگلیس در تاسیس کنسولگری های جدید در ایالت خراسان به اوج خود رسید. به رغم اقدامات همه جانبه روس ها برای پیش دستی در تاسیس کنسولگری در مشهد سرهنگ چارلز مک لین از افسران حکومت هند موفق شد خود را پیش از روس ها به مشهد برساند. کنسولهای حکومت هند در مشهد تا زمان فروپاشی سلسله قاجار ورزیده ترین افراد دستگاه اطلاعاتی حکومت انگلستان محسوب می شدند آنها خود را نماینده حکومت هند در خراسان می خواند ند و به جای سفارت بریتانیا در تهران از فرمانفرما و دیگر مقامات هندوستان تبعیت می کردند حقوق و مزایای کنسول های منصوب از سوی کمپانی هند شرقی در ایران در مقایسه با همتایان خویش که از طرف وزارت امور خارجه انگلستان مامور ایران می شدند تقریبا هشت برابر بود. مقر کنسولگری هند انگلیس در مشهد بزرگترین و زیباترین کنسولگری در ایران بود که در پشت ارگ قرار داشت (کرزن، ج ۱، ۱۳۸۰: ۲۳۸-۲۳۶؛ میرزا صالح، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۲).

آن‌ها موظف بودند که ضمن سرو سامان دادن به سفر هزاران زائر شیعه هندوستانی به مشهد فعالیت‌های سیاسی و بازرگانی ماموران روسیه را تحت نظر داشته باشند. و یا جلب نظر حکام و مقامات محلی به شیوه‌های گوناگون از وقوع حوادث ناخواسته در شرق ایران جلوگیری به عمل آورند. در همان سال روسها در رقابت با انگلیس کنسولگری خود را در مشهد تاسیس کردند با توجه به درگیری‌هایی که بین کارفرمایان هند و لندن ایجاد شده بود، روسها سیاست توسعه طلبانه خود را روز به روز گسترش دادند آن‌ها بعد از قرارداد ۱۸۸۵م/۱۳۰۲ق. به تدریج در منطقه شرق ایران و سیستان شبکه گسترده جاسوسی ایجاد کردند. و وزیر مختار روس اوگنی بوتزوف^۱ به بهانه جلوگیری از بیماری طاعون که از بمبئی شیوع یافته بود از دولت ایران خواست تا عده ای از پزشکان در بیمارستان‌ها و پست‌های قرنطینه در طول مرز ایران و افغانستان مستقر شوند. روس‌ها به بهانه حفاظت از اطباء صد و بیست نفر قزاق را به این منطقه اعزام کردند (محمود، ج ۷، بی تا: ۱۱۹؛ کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۸۹).

روس‌ها علاوه بر تاسیس بیمارستان در نواحی مرزی ایران و با تاسیس کنسولگری در این منطقه به ایجاد شبکه جاسوسی گسترده ای اقدام نمودند با تاسیس کنسولگری روس در سیستان، انگلیس‌ها نیز دست به تاسیس کنسولگری در سیستان و کرمان زدند زیرا به نظر انگلیسی‌ها کنسولگری کرمان پست دیده بانی به شمار می‌رفت که از طریق آن می‌توانستند ناظر رویدادهای جنوب شرق ایران باشند (وین، ۱۳۸۳: ۴۹). هدف انگلیسی‌ها از تاسیس کنسولگری در مرکز سیستان یعنی شهرهای نصرت آباد، بیرجند و قائن این بود که با سهولت بیشتری منافع این کشور تامین شود. قبل از آن کنسولگری‌های در کرمان و مشهد تاسیس شده بود. کنسولگری مشهد مراقب اوضاع آسیای میانه تا حدود سمرقند بود و بزرگترین کنسولگری بریتانیا در آسیا محسوب می‌شد. (کاظم زاده، ۱۳۵۴: ۳۹۸؛ احمدی، ۱۳۷۸: ۶۱۶).

جاده مواصلاتی شوسه از مشهد به سمت جنوب که از شهرهای تربت حیدریه، گناباد، قائن، بیرجند، سربیشه و شوسف می‌گذشت و به سوی نصرت آباد و زابل امتداد می‌

یافت، و از آنجا، کویت و نوشکی را به هم متصل می ساخت می توانست منافع استعماری انگلستان را در شرق تامین کند. با ظهور آلمان ها و به خطر افتادن منافع انگلستان و روسیه در مستعمرات این دو کشور با هم بر سر دوستی برآمدند و در ۱۹۰۷م به توافق بر سر تقسیم ایران رسیدند.

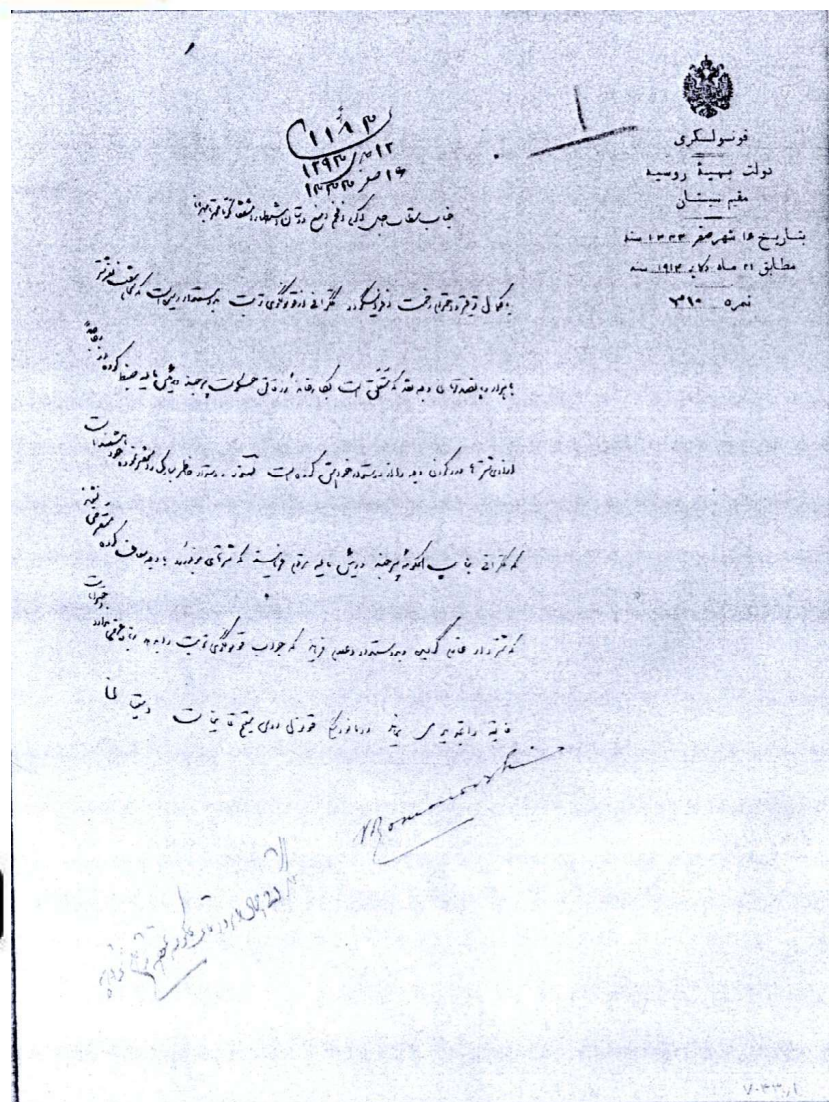
نتیجه گیری:

در ایامی که مساله شرق و آینده بلغاز و بسفر در صحنه سیاسی اروپا مطرح بود ایران و افغانستان از نقطه نظر دفاع از هندوستان مباحث پارلمانی بسیاری را در لندن و سن پترزبورگ بر می انگیخت بازی بزرگ (Great Game) یا به قول روس ها مسابقه سایه ها آن چنان که مصطلح بود یعنی رقابت روس و انگلستان در افغانستان-ایران و در امتداد رشته کوههای پامیر، یکی از مضامین همیشگی جراید طرفین و تبادل دیپلماتیک بین دو کشور به شمار می رفت. بازی بزرگ که هدف آن از یک سو دستیابی به آبهای گرم جنوب آن کشور و مستعمره انگلیسی هند بود از زمان پطر کبیر آغاز شده بود و تا سال ۱۹۰۷م. ادامه داشت دولت انگلیس برای ایجاد حلقه ارتباطی بین کنسولگری های خود در سیستان و مشهد دست به ایجاد کنسولگری بیرجند زد تا هم موقعیت دولت انگلیس را بالا ببرد و هم منافع انگلیس در این شهر مهم حفظ شود. رقابت های روس و انگلیس از دیرباز در ایران و به ویژه منطقه خراسان وجود داشت. اهمیت استراتژیکی این منطقه باعث می شد تا روس و انگلیس برای دستیابی به منافع خود گاه با یکدیگر دست دوستی دهند و گاه با هم به دشمنان قسم خورده تبدیل شوند. تلاش های آلمان و عثمانی در جنگ جهانی اول و رسوخ به ایران با هدف ضربه زدن به هند موجبات وحشت انگلیس و رقیب دیرینه اش روس را فراهم کرد. روس و بریتانیا برآن شدند تا با تشکیل کمربند شرق ایران راه نفوذ آن ها را سد نمایند. برای تشکیل این کمربند نیروهای روسیه که در مناطق تحت نفوذ خود در شمال خراسان مستقر بودند به سمت جنوب پیشروی کرده تا شهر قائن جلو آمدند از جنوب نیز نیروهای بریتانیا به سوی شمال روان شده و تا روستای سده در حدود پنجاه کیلومتری جنوب قائن را تحت پوشش خود قرار دادند. سازمان های جاسوسی این دو قدر ت



استعماری (روس و انگلیس) در طول این سالها علیه یکدیگر دست به اقدامات گسترده ای زدند که ایجاد کنسولگری های متعدد در مناطق شرق ایران در همین راستا قرار داشت.

دیپلمات ها و کنسول های انگلیس در ایران	
۱۸۸۹	سر لشکر چارلز اسمیت مک لین، سر کنسول - اول فوریه.
۱۸۹۱	نی الیاس، کنسول - ۱۴ دسامبر.
۱۸۹۶	سر هنگ دوم چارلز ادواردیت، سر کنسول - ۱۱ سپتامبر.
۱۸۹۸	سر هنگ دوم هنری مارتیندل تمپل، سر کنسول - ۱۱ فوریه.
۱۹۰۱	سر هنگ دوم جرج فردریک چنویکس - ترنج، سر کنسول - ۲۳ مارس.
۱۹۰۳	سر هنگ دوم چارلز فردریک مینشن، سر کنسول - اول اکتبر.
۱۹۰۶	سرگرد (سرتیپ) سر پرسی مالزورث سایکس، سر کنسول - ۵ فوریه.
۱۹۱۴	سر هنگ دوم سر تامس ولزلی هیگ، سر کنسول - اول ژانویه.
۱۹۲۰	سر هنگ دوم فرانسیس بیول پرایدوکس، سر کنسول - ۱۵ اوت.
۱۹۲۴	سرگرد لیونل برکلی هال هاورث، سر کنسول - ۹ مارس.
۱۹۲۷	سر هنگ دوم سر هیو وینسنت بیسکو - اول ژانویه.
۱۹۳۰	سر هنگ دوم سر ریل چارلز جانسن بارت، سر کنسول - ۵ مه.
۱۹۳۵	سر هنگ دوم کلایو کرک پاتریک دالی، سر کنسول - اول مه.
۱۹۳۶	گیلز فردریک اسکوایر، سر کنسول - ۹ نوامبر.
۱۹۴۲	کلارمونت پرسیوال اسکراین، سر کنسول - ۳۱ ژانویه.
۱۹۴۵	سروان دانیل ریچارد اسمیت، سر کنسول - ۶ اوت.
برگرفته از کتاب دیپلمات ها و کنسول های ایران و انگلیس اثر لوئی رابینو	



برگرفته از کتاب اسناد حضور دولت های بیگانه در شرق ایران اثر الهه محبوب

منابع و مأخذ

- احمدی، حسن، سیستان در سفر نامه های سیاحان خارجی، تهران: نشر حسن احمدی، ۱۳۷۸.
- آدمیت، فریدون، امیر کبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲.
- اسدی کرم، مهدیه، بررسی تحولات جنوب شرق ایران (سیستان و بلوچستان، کرمان و جنوب خراسان در ارتباط با تحولات بین المللی قرن ۱۹)، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۷.
- حسام معزی، نجفقلی، تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا، تهران: نشر علم، ۱۳۶۶.
- ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، تهران: انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۰.
- رئیس طوسی، رضا، استراتژی سرزمین های سوخته (سیستان و نقش گام های نفوذ استعمار)، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۶.
- زرگر، علی اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه کاوه بیات، تهران: انتشارات معین، ۱۳۷۲.
- سایکس، سر پرسی، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد تقی فخرایی گیلانی، تهران: نشر دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- سالار بهزادی، عبد الرضا، درآمدی بر تاریخ بلوچستان در دوران اخیر، تهران: نشر مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، ۱۳۷۲.
- شمیم، علی اصغر، ایران در دوران سلطنت قاجار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۰.
- کرزن، جورج. ن، ایران و قضیه ایران، ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- گرانٹ واتسن، رابرت، تاریخ قاجاریه، ترجمه عباسقلی آذری، تهران: نشر امین، ۱۳۵۵.
- لسان الملک سپهر، محمد تقی، ناسخ التواریخ، به کوشش جهانگیر قائم مقامی، تهران: نشر امیر کبیر، ۱۳۷۷.
- لنزوسکی، جورج، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران: نشر اقبال، ۱۳۶۶.

- مابری، جیمز فردریک، عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، تهران: نشر رسا، ۱۳۶۹.
- محبوب فریمانی، الهه، اسناد حضور دولت های بیگانه در شرق ایران، مشهد: انتشارات کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲.
- محمود، محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران: نشر اقبال، ۱۳۶۷.
- مجتهد زاده، پیروز، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸.
- منصف، محمد علی، امیر شوکت الملک علم، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۵.
- میرزا صالح، غلام حسین، فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، نشر نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۷.
- نفیسی، سعید، تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، تهران: انتشارات بنیاد یا موسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۲۵.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۶۹.